



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.Ghaemiyeh.com  
www.Ghaemiyeh.org  
www.Ghaemiyeh.net  
www.Ghaemiyeh.ir



# عزت عاشورایی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عزت عاشورایی

نویسنده:

مرکز تحقیقات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر چاپی:

واحد تحقیقات پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	عزت عاشورایی
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	طلیعه
۷	اشاره
۸	حرکت انقلابی و اصلاحی
۸	تجسم و تبلور معنویت
۸	بعد مصیبت ها و غصه ها
۹	حوزه فردی
۹	اشاره
۹	ایثار و تملک نفس
۹	پیمان و وفاداری
۱۰	سنخیت وسیله و هدف
۱۰	حوزه اجتماعی
۱۱	اشاره
۱۱	مبارزه با منکرات
۱۱	مشارکت عملی
۱۱	اشاره
۱۲	الگو برداری
۱۲	مقایسه شرایط زمانی
۱۲	اشاره
۱۲	فاصله یاران

- ۱۳----- درس های عاشورا
- ۲۱----- کتاب شناسی عاشورا
- ۲۱----- پاورقی
- ۲۲----- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## عزت عاشورایی

## مشخصات کتاب

عنوان: عزت عاشورایی

پدیدآورندگان: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (پدیدآور همکار)

ناشر: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

نوع: متن

جنس: کتاب

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: فرار از دین

قرآن [۲]

فرار از جهاد

فرار

## مقدمه

سال ۱۳۸۱ شمسی که دو عاشورا را در آغاز و پایان خود جای داده، به حق از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دام‌عزه) سال ((عزت و افتخار حسینی)) نام گرفت تا مردم انقلابی و شیفته سالار شهیدان، هر چه بیشتر با ابعاد و زوایای عزت‌مداری آن احیاگر اسلام و پاسدار بزرگ دین خدا آشنا شوند و درس‌های عملی برای زندگی خود بیاموزند. در اجرای منویات مقام فرماندهی کل قوا بر آن شدیم تا جرعه‌ای از دریای عزت و عظمت فرهنگ عاشورا و مکتب کربلا را در جزوه حاضر به سالکان و پویندگان راه عزت و افتخار حسینی یعنی بسیجیان سلحشور تقدیم نماییم. با توجه به محدودیت جزوه، مباحثی حول محور اصل عدالتخواهی و ستم‌ستیزی، اصل مرزبانی ارزش‌ها، اصل غیرت دینی و اصل کرامت‌مندی و عزت‌مداری ارائه می‌گردد. به امید آنکه به عنوان برگ سبزی در بوستان پرطراوت بسیجیان عزت‌مند و سرافراز مقبول افتد. معاونت آموزش‌های عقیدتی‌سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج

## طلیعه

## اشاره

گوشت و خون مردم ایران اسلامی با مهر و محبت آل‌الله و خاندان عصمت و طهارت (ع) آمیخته شده و دیرآشنای سالار شهیدان است. ولی بهار امسال به دلیل تقارن زمانی با ماه محرم و پراکنده شدن عطر عاشورا رنگ و بوی خاصی گرفت؛ چرا که اسلام و آوای اذانش، بر بلندای گلدسته‌های هزار و چهارصد ساله، به یاد عاشورا و عاشوراآفرین زنده مانده است. و این نه از آن رو است که حسین - که جان شیفتگان به فدایش باد - شاگرد مکتب رسول و جگرپاره بتول (س) است، بلکه خود اسلام محض است؛ و لحظه لحظه زندگی اش آیین زندگی و عاشورایش نه یک حرکت سیاسی و حادثه نظامی

که تمام و کمال و بی کم و کاست یک مکتب و فرهنگ غنی است و نمایشی عظیم از معارف بلند اسلام. قیام آفرینان و مرزبانان فرهنگ شیعی از دیر زمان از عاشورا الهام می گرفتند و امت اسلام را با نام و یاد حسین (ع)، علیه ستمگران برمی انگیزتند. به ویژه یادش به خیر آن آفتاب جمارانی که تا برآمد، ظلمت یلدایی این قبیله سرآمد و دریایی از اندیشه های ناب حسین (ع) را پیش چشم ما گسترد و خود نمودی از روح حماسی او بود. و نامش همیشه سبز این سید خراسانی و رهبر فرزانه، حضرت آیت الله خامنه ای، که ستاره زهره نمای آن ماه و فارغ التحصیل آن دانشگاه و واژه واژه اش گوهر همان دریاست، [۱] سال جدید را سال عزت و افتخار حسینی نامیدند تا نماد عینی و سرمشق ماندگار ملت و مسئولان باشد. معظم له در راز این نامگذاری فرمودند: ((این سال، سال ((عزت و افتخار حسینی)) است؛ این عزت، چگونه عزتی است؟ این افتخار، افتخار به چیست؟ از سه بُعد و با سه دیدگاه این نهضت عظیم حسینی را می شود دید؛ در هر سه بُعد، آنچه که بیش از همه چشم را خیره می کند، احساس عزت و سربلندی و افتخار است. یکی حرکت انقلابی و اصلاحی، دوم تجسم و تبلور معنویت و اخلاق و بُعد سوم فجایع، مصیبت ها و غصه ها و خون دل های عاشوراست.

### حرکت انقلابی و اصلاحی

... حرکت امام حسین (ع) حرکت عزت بود؛ یعنی عزت حق، عزت دین، عزت امامت و عزت آن راهی که پیامبر (ص) ارائه کرده بود. افتخار متعلق به انسان، ملت و جماعتی است که پای حرفشان بایستند و نگذارند طوفان ها پرچمی را که بلند کرده اند، از بین ببرد و بخواباند. امام حسین (ع) این پرچم را محکم نگه داشت و تا پای شهادت عزیزان و اسارت حرم شریفش ایستاد. این است عزت و افتخار در بُعد حرکت انقلابی و اصلاحی.

### تجسم و تبلور معنویت

... در بُعد تبلور معنویت هم همین طور است. خیلی ها امام حسین (ع) را بر این ایستادگی ملامت می کردند، آنها مردان بد و یا کوچکی هم نبودند اما بد می فهمیدند و ضعف های بشری بر آنها غالب شده بود؛ لذا می خواستند حسین بن علی (ع) را هم مغلوب همان ضعف ها کنند اما امام (ع) صبر کرد و مغلوب نشد و کسانی که با امام حسین (ع) بودند در این مبارزه معنوی و درونی پیروز شدند و آنها عده ای اندکی بیش نبودند اما پایداری و اصرار آنها بر استقامت در آن میدان شرف، موجب شد که در طول تاریخ هزاران هزار انسان، آن درس را فرا گرفتند و همان راه را رفتند. اگر آنها در وجود خودشان فضیلت را بر ذیلت پیروز نمی کردند، درخت فضیلت در تاریخ خشک می شد. اما آنها آن درخت را آبیاری کردند. [و این درخت هنوز و همچنان پایدار و پربار است و همیشه سبز خواهد ماند] و امروز پایداری شما - چه در دوران دفاع مقدس و چه در بقیه آزمایش های بزرگ این کشور - این فضیلت ها را در زمانه ما ثبت کرد. همین مادری که در فلسطین جوان خودش را می بوسد و به طرف میدان جنگ می فرستد [نشان می دهد] که ملت فلسطین در صف آرایی معنوی در درون خود توانسته اند جانب معنویت را غلبه بدهند و پیروز کنند و این ملت [سرانجام] پیروز خواهد شد.

### بعد مصیبت ها و غصه ها

... در آن صحنه ی سوم هم که صحنه ی فاجعه آفرینی های عاشوراست آن جا هم، سربلندی و افتخار است؛ اگرچه مصیبت و شهادت است و شهادت هر یک از جوانان بنی هاشم، کودکان کوچک و اصحاب کهنسال در اطراف حضرت ابی عبدالله (ع) یک مصیبت و داغ بزرگ است، اما هر کدام حامل یک جوهره عزت و افتخار هم هست. مظهر جوان فداکار در کربلا



کیست؟ علی اکبر، فرزند امام حسین (ع)، جوانی که در بین جوانان بنی هاشم برجسته و نمونه بود؛ جوانی که زیبایی های ظاهری و باطنی را با هم داشت؛ جوانی که معرفت به حق امامت و ولایت حسین بن علی (ع) را با شجاعت و فداکاری و آمادگی برای مقابله با شقاوت دشمن همراه داشت و نیرو و نشاط و جوانی خود را برای هدف و آرمان والای خود صرف کرد؛ این خیلی ارزش دارد. این جوان فوق العاده و برجسته را به میدان دشمن فرستاد و در مقابل چشم پدر و چشمان زنانی که نگران حال او بودند، جسد به خون آغشته ی او به خیمه ها برگشت. این چنین مصیبت و عزایی چیز کوچکی نیست، اما همین حرکت او به سمت میدان و آماده شدن برای مبارزه، برای یک مسلمان، تجسم عزت و بزرگواری، افتخار و مباهات است. این است که خداوند می فرماید: ((وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ)) (منافقون: ۸). عزت از آن خدا و پیامبرش و از آن مؤمنان است. حسین بن علی نیز به نوبه خود با فرستادن این جوان به میدان جنگ، عزت معنوی را نشان می دهد؛ یعنی پرچم سربلندی و حاکمیت اسلام را - که روشن کننده ی مرز بین امامت اسلامی و سلطنت طاغوتی است. - نگه می دارد ولو به قیمت جان جوان عزیزش باشد.)) [۲]. با نظر به ابعاد سه گانه ی عاشورا، می توان هم ابعاد عاشورا و هم عزت و افتخار حسینی را بهتر شناخت. ولی نباید به تحلیل و تعمیق مفاهیم نظری آن بسنده نمود و در ابعاد گزارشی آن جمود کرد، بلکه باید همراه با بینش و برداشت عمیق و فراگیر، به بُعد عملی عاشورا نیز اندیشید. عاشورایی عمل کردن در این جا سخن بر سر ((بیان مفهوم صحیح عاشورایی عمل کردن)) است. باید دید از چه راهی می توان حسینی زیست و عاشورایی عمل نمود و عاشورایی بودن را تعمیم داد و به شکل فرهنگ فرا فردی و اجتماعی درآورد.

## حوزه فردی

### اشاره

عاشورایی بودن و عاشورایی ماندن نیاز به انقلاب درونی دارد و زدودن زنگ جمود شیطانی، بسان حرّ ریاحی؛ هم در حوزه فردی و خودسازی و هم در حوزه اجتماعی و جامعه پردازی. در حوزه فردی هر کس باید حرکت را از خویشتن بی‌آغازد زیرا دریای پُر خروش جامعه، از قطره قطره افراد ترکیب می یابد و فرد فرد جامعه اگر روش زندگی را از حسین (ع) و یاران آن حضرت بیاموزند و سیره خود را با فرهنگ عاشورا بیامیزند، به یقین هسته و پیکره جامعه، کربلایی خواهد شد؛ برای نمونه جلوه هایی از مشخصات فرهنگ عاشورایی چنین است:

### ایثار و تملک نفس

ایثار و برتری دادن دیگران و منافع جامعه، به مصالح و منافع شخصی خود و همچنین تملک نفس و خودداری از برآوردن خواسته های نفسانی، از درس ها و آموزه های عملی عاشورا است که مصداق آن عباس بن علی (ع) علمدار کربلاست. باید وی را الگوی عملی قرار داد که چگونه هنگام ورود به آب فرات در نهایت تشنگی آب نمی خورد و امام حسین را برای سیراب شدن به خویشتن ترجیح می دهد و بر خود گوارا نمی بیند آبی را که مولا و مقتدایش از آن ممنوع است؛ و در همین صحنه و گیر و دار سخت، بر نفس خویش ظفر می یابد و خواسته ها و خواهش هایش را برآورده نمی کند و با بی اعتنایی به تمنای دل، سرانجام لب تشنه شهید می شود.

### پیمان و وفاداری

عاشورایی مشربان و حسین مسلکان باید در وفا به پیمان خود، مثل عاشورائیان و حسینیان عمل کنند و در هیچ شرایطی عهد و پیمان خود را نشکنند و به یاران وفادار حسین و به ویژه به عباس بن علی (ع) بنگرند که چگونه تا پای جان به پای پیمان خود نشست و حتی امان نامه ای را که از سوی دشمن برای او آمد نپذیرفت و همچنان به عهدی که با برادرش حسین بن علی (ع) بسته بود وفادار ماند.

### سنخیت وسیله و هدف

همه تلاش های تربیتی برای این است که استعدادهای آدمی، در جهت کمال مطلق شکوفا شود و موانع تربیتی رفع گردد، و آن در زمانی تحقق می یابد که هم اهداف عالی مورد توجه باشد و هم وسائل سیر به سوی آن اهداف. میان هدف و وسیله سنخیتی تام برقرار است و به هیچ وجه نمی توان با وسائل نادرست و از راه های ناصحیح به اهداف درست و صحیح دست یافت. در مدرسه تربیتی امام حسین (ع)، برای کسب قدرت، ایجاد اصلاحات اجتماعی و سیاسی و برای هدایت گری و نشر و تبلیغ فرهنگ دینی و نیز به منظور حفظ حکومت و دینداری، نمی توان به خیانتکاری، دروغگویی، سلطه گری، نیرنگ و خدعه و هر وسیله نامقدس و نامشروع روی آورد. قمه زدن به عنوان یک رسم نامطلوب نمی تواند وسیله تبلیغ و ترویج و توسعه فرهنگ عاشورا به حساب آید، به همین منظور مقام معظم رهبری در این برهه زمانی و با توجه به شرایط موجود و تبلیغات دشمنان علیه تشیع، آن را مجاز نمی دانند و از عزاداران پرشور حسینی می خواهند این نوع ایثار را به ایثار مشروع، درست، سودمند و مثبت تبدیل کنند یعنی به جای ریختن خون سر خود و هدر دادن آن، در روز عاشورا خون هدیه کنند تا فداکاری بعد کاربردی بیابد و دشمن هم بهانه ای برای تبلیغات منفی و شایعات نیابد. و آن بدان جهت است که در اسلام بر خلاف مکتب های مادی و انحرافی، ((هدف وسیله را توجیه نمی کند)) و اعمال خالص و بی شائبه، با وسایل ضد ارزش و ناخالص، رنگ ریایی به خود نمی گیرد. اینک نمونه ای از سیره عملی امام در مسیرش به کربلا- را در این رابطه مرور می کنیم. در راه مکه به کربلا، به امام خبر دادند که ((عُبَیدالله بن حُرّ جَعْفی)) در نزدیکی ایشان اتراق کرده است. امام (ع) فوراً کسی را به سویش فرستاد تا او را به یاری خود بخواند. عبیدالله پیام امام را شنید ولی دعوت او را نپذیرفت. امام (ع) با چند تن از یاران خود، پیش او رفت و او را به یاری خویش دعوت کرد. وی در جواب امام (ع) گفت: ((به خدا سوگند، من می دانم هر که شما را پیروی کند به سعادت و خوشبختی ابدی نایل می آید. ولی من می دانم که یاری من شما را سودی نمی بخشد، زیرا در کوفه، کسی را ندیدم که مصمم به یاری شما باشد و از مرگ هم بسیار می ترسم. ولی اسب معروف خود را که تا به حال با آن دشمنی را تعقیب نکرده ام مگر این که به او رسیده ام و هیچ دشمنی مرا تعقیب نکرده است مگر از چنگ او گریخته ام، و شمشیرم را به تو تقدیم می کنم.)) امام حسین (ع) از او روی گرداند و فرمود: حال که در راه ما از نثار جان خود دریغ می کنی، مانیز به مال تو نیازی نداریم، سپس این آیه را تلاوت کرد: ((مَا كُنْتُ مَتَجِدَّ الْمُضَلِّينَ عَضُدًا)) (کهف / ۵۱). من هرگز گمراه کنندگان را یار و مددکار نگرفتم. [۳]. آنان که به راه حسین می روند و می خواهند عاشورایی عمل کنند نمی توانند و نباید جز این گونه باشند. در این ماجرا امام حسین (ع) از وسایل مادی و رزمی شخصی که در نیت و عمل سنخیت معنوی با او ندارد، سود نجست. شخصی که با ((امام واجب الاطاعه ی)) خود هم سو و هم صدا نمی شود و استمدادش را نادیده می گیرد، اسب و اسباب رزمی او نیز هم سنخ و هماهنگ با اهداف امام نخواهد بود. چرا که چشمه ناب خلوص و معنویت و آب زلال تقرب به خدا را نباید با خاک و خس و خاشاک، گل آلود نمود.

## اشاره

از حوزه فردی که بگذریم، در حوزه حکومت و جامعه نیز باید عاشورایی عمل کرد - هر چند حوزه فردی و اجتماعی را نمی‌شود از هم جدا ساخت - یعنی مفاهیم مهمی را که بُعد عملی و عمومی دارد در جامعه ترویج نمود از جمله آنها:

### مبارزه با منکرات

آیین جهانی اسلام، برای تضمین و تداوم سلامت و سعادت جامعه، اصل مهمی را بنیان نهاده و آن، نظارت عمومی و مراقبت همگانی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است و امام حسین (ع) ماهیت نهضت خود را با این اصل معرفی می‌کند که: ((... أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي مُحَمَّدٍ وَسِيرَةَ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ)). [۴].... من [با این قیام] می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم (و شما را به نیک اندیشی و نیک کرداری سفارش کنم و از زشتی‌ها باز بدارم) و به سیره و روش جدّم مصطفی (ص) و پدرم علی بن ابی طالب (ع) رفتار کنم. حسین بن علی (ع) در این باره تنها به سخنرانی‌ها و تذکرات عمومی، بسنده نمی‌کرد، بلکه با برخی از گمراهان و منحرفان، دیدار می‌کرد و به صورت خصوصی آنها را از کشتار و خونریزی باز می‌داشت و به چشمه سار نجات رهنمون می‌شد. حتی در شب هشتم به همراه برادرش عباس بن علی (ع) و فرزندش علی اکبر، در خیمه مخصوص با عمر بن سعد دیدار کرد به امید آن که او را از این مهلکه حتمی نجات دهد. به او فرمود: ((ای پسر سعد، وای بر تو! آیا می‌خواهی با من بجنگی؟ آیا از خدایی که بازگشت همه به سوی او است نمی‌ترسی؟ تو می‌دانی من پسر چه کسی هستم، این قوم را رها کن و به سوی من آی و با من باش که این عمل به خدا نزدیک تر و مورد رضایت او است.)) [۵]. فرهیختگان جامعه و فرهنگ آشنایان دینی نیز باید چنین باشند. جامه کبر برکنند. و خاکسارانه و فروتنانه به ارشاد مردم همت گمارند و با منکرات مبارزه نمایند.

### مشارکت عملی

## اشاره

همدردی با مردم و شرکت عملی - و نه لفظی - از نشانه‌های بارز عاشورائیان است. راهیان حسین باید مثل او باشند. آن حضرت در آسیب‌زدایی و رفع گرفتاری مردم زبازرد عام و خاص بود. مردم را چون فرزندان خود می‌دانست. حضرت روزی به عیادت اسامه بن زید رفت و او را نگران یافت. از علت آن جويا شد. اسامه گفت: مبلغی بدهکارم و از پرداخت آن عاجزم و می‌ترسم بدهکار بمیرم. حضرت فرمود: پرداخت آن به عهده من؛ ناراحت مباش به زودی آن را پرداخت می‌کنم. سپس طبق وعده‌ای که داده بود پیش از وفات اسامه همه قرض‌های او را پرداخت نمود. [۶]. همدلی و همسویی نباید در دل خلاصه گردد بلکه باید در سیرت و عمل ترسیم شود. حقوق‌دانان و انسان‌شناسان کجایند تا بیایند و این صحنه انسانی کربلائیان را با چشم دل ببینند و درس بیاموزند: کاروان کربلا به منزل شراف رسید. قافله اتراق کرد. حسین بن علی (ع) سحرگاه به نیروهایش فرمان داد تا آب زیادی برداشتند و به سوی کوفه حرکت کردند. هنگام ظهر بود که سپاه حَرَبین یزید ریاحی با امام رو در رو شد و هوا هم بسیار گرم بود. حضرت به سربازانش فرمود: به آنان آب بدهید و خود و اسبان‌شان را سیراب، کنید. آنان برخاستند و همه سپاهیان حُرّ را سیراب کردند. علی بن طعان محاربی می‌گوید: من در آن روز در میان این سپاه بودم که از همه دیرتر رسیدم. امام حسین (ع) همین که مرا و مرکبم را تشنه یافت، خود به سراغم آمد و فرمود: شترت را بخوابان؛ هم خودت آب بنوش و هم مرکبت را سیراب کن. و چون من بر اثر ضعف و تشنگی شدید نتوانستم به درستی از مشک آب، استفاده کنم، امام خود برخاست

و با دست خویش من و شترم را سیراب کرد. [۷].

## الگو برداری

بهترین روش برای هم‌رنگ بودن با یک شخص یا یک گروه، الگو قرار دادن خود آن شخص و یا آن گروه معین است. حسین عاشوراآفرین و حماسه ساز کربلا- سرمشق خوب و الگوی ثابتی برای عاشورائیان است و این نه ادعا که گفتار خود شهید کربلا- است که در راه مکه و کوفه، در یکی از منزلگاه‌ها پس از نماز، در ضمن خطبه‌ای، خود و خاندانش را الگوی شایسته و ثابت معرفی نمود و فرمود: ((.. فَأَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَابْنُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَفْسِي مَعَانُفْسِكُمْ وَأَهْلِي مَعَ أَهْلِكُمْ. فَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ)) [۸]. من حسین بن علی و فرزند فاطمه، دختر پیامبرم. من خودم شخصا با شمایم و خاندانم با خانواده شماست. در [گفتار و رفتار و معاشرت] برایتان اُسوه و الگویم. پس اگر بخواهیم عاشورایی عمل کنیم لامحاله باید حسین شهید و شهیدان کربلا را الگوی خود قرار دهیم.

## مقایسه شرایط زمانی

### اشاره

گرچه فاصله زمانی میان ما و قیام کربلا، بس زیاد است و تمام و کمال در یک مقیاس نمی‌گنجد ولی ماهیت تشیع و روند سیاسی آن، بر مبنای مشترک استوار است و دشمنان اسلام نیز با همه تفاوت‌های شکلی و شیوه‌ای، در اهداف شوم خود مشترک‌اند، از این رو می‌توان با یک تراز، فضای سیاسی و شرایط حاکم بر زمان حاضر را با شرایط زمانی و اوضاع سیاسی و فرهنگی عصر حضرت سیدالشهدا (ع) سنجید و به برخی از وجوه مشترک این دو زمان اشاره نمود، از جمله آنها:

### فاصله یاران

در نهضت کربلا، عده‌ای از سست‌ایمانان هدف ناشناخته دنیا دوست، فرزند پیامبر را رها کردند و راهی شهر و آبادی‌های خود شدند ولی عده‌ای دریادل با ایمان، که در عدد کمتر بودند و در ارزش بیشتر، چون، کوه ایستادند و تا آخر با امامشان ماندند. در این جا سخن از عدد نیست، سخن از عظمت و ایمان است. و امروز عده‌ای از یاران دیرینه انقلاب، از اهداف انقلابی خود بازماندند. و از امام و مقام رهبری فاصله گرفتند. برخی از آنها، بی تفاوت نشسته و از آرمان‌های بلند خود دست‌شسته‌اند و همچنان به آرزوهای رؤیایی خود دل خوش کرده و درهای توجیه بر روی خویش گشوده‌اند. برخی از انقلاب و انقلابیون بریده و به انقلاب ستیزان پیوسته‌اند تا به پندار خویش از معرکه به دور باشند و علی‌الزمان را تنها گذارند و در نتیجه راه را بر هواپرستان و فسادآفرینان هموار سازند. ۲- حکومت تک قطبی و تمرکز قدرت: حضرت امام حسین (ع) در شرایطی قیام کرد که حکومت شام به یک سلطنت تبدیل شده بود. سرنوشت کشورها و شهرهای مسلمانان و مکه و مدینه و عراق و شامات در آنجا رقم می‌خورد. معاویه با استفاده از جهل عوام و خیانت خواص، جامعه اسلامی را به جامعه‌ای ملامال از خفقان تبدیل کرده و با زور و زر و زهر و شمشیر، علیه جهان اسلام به پا خاست، و با حرکت‌ها و سیاست‌های شیطانی روشمندان، بر اهل قبله و قرآن تسلط یافت و در قلمرو حکومت تقوا و ایمان علیه اسلام تاخت. در اندک زمان، سرتاسر شهرها و آبادی‌های مسلمانان را، سیاهی ستم و تباهی فرا گرفت و استبداد، عنان گسیخته گشت، حق پوشیده ماند، تربیت دینی رو به اضمحلال نهاد، دست یهودیان و مسیحیان در سرنوشت مسلمانان باز گذاشته شد. در این

زمان بود که امویان با اسلام ادعایی سلطنتی در پی پایمال کردن اسلام ناب نبوی (ص) برآمدند و مردمان را به بندگی خود واداشتند و اموال عمومی را به تاراج بردند. امویان، دشمن آزادی و روشن اندیشی بودند؛ از این راه، به خواسته های خود، زودتر نایل می آمدند و به اهداف شوم و استکباری خود دست می یافتند. آنها ((حمیت و عصیّت)) را پایه حکومتشان قرار دادند و مردم را به غنی و فقیر و آقا و برده تقسیم کردند و فاصله های طبقاتی را اصل عملی خود قرار دادند. کرسی سیادت را از آن خود می دیدند و تبعیت مردم از حاکمان را وظیفه آنان برشمردند و چنین شد که خشونت سیاسی و استبداد اجتماعی جامعه را فرا گرفت و شعار ((الحق لمن غلب)) در زبان و اعتقاد و اقدام، پایه قرار گرفت؛ یعنی حق را از آن کسی می دانستند که چیره شود. و سرانجام نظر و عمل خود را محور حق قرار دادند؛ آنچه را که آنها می خواستند حق بود و جز آن، باطل. آری دیروز وضع زمانه چنین بود و امروز نیز آمریکا خود را نیروی تک قطبی عالم و مدعی العموم جهان می داند و حق را بر مدار زور تفسیر می کند؛ جلودار دشمنان اسلام و مسلمانان گشته است، بدسرشت ها و عنصرهای فاسد را به هر بهانه ای علیه جمهوری اسلامی تحریک و صهیونیسم خون آشام را بر خونریزی مسلمانان تشویق و از آنها پشتیبانی می کند. پیوسته میان مسلمانان و کشورهای اسلامی اختلاف می افکند و به بهانه های واهی، سرزمین آنان را اشغال می کند: روزی فلسطین و روزی افغانستان؛ تا به زعم خود نظام نوپای جمهوری اسلامی را به تسلیم وادارد و در نتیجه هیچ کشوری در برابر آن قد علم نکند و علم مبارزه جهانی را به دوش خود نکشد. ولی نمی داند که ملت ایران به حسین بن علی (ع) اقتدا کرده و عزت حسینی را به ذلت زیر پرچم آمریکا زندگی کردن نخواهد فروخت \$۳۰۰ - تحریف و توجیه گری: اندکی پس از وفات رسول خدا(ص) به ویژه در زمان امام حسین (ع)، دشمنان داخلی، فهم از اسلام را به انحراف کشیدند و دست به تحریفات لفظی و معنوی مفاهیم کلیدی بردند. کژفهمی ها و بدفهمی ها از آن برگرفتند و این نه ناشی از جهل و غفلت و سهو و سهل انگاری که ناشی از تدبیر تعمّیدی و نقشه های سنجیده و پیش ساخته حزب اموی بود. سفیانیان مقاصد خود را به نام دین پیش بردند و مفسد اخلاقیشان را با پوشش مذهب توجیه کردند و مردم را حدود نیم قرن، با توجیه گری و تحریف حقایق عادت دادند در حدّی که مردم عوام اندیش نیز این توجیحات را می پذیرفتند و لب به اعتراض و انتقاد نمی گشودند. حسین، سرور آزادگان و سید شهیدان در چنین فضایی دست به قیام زد تا ابّهت دروغین غداره بندگان بنی امیه را بشکند و مفاهیم اصیل مکتب توحید را از پیرایه ها بزدايد و از آن پس، زورمندان با سپر توجیه و تحریف به میدان نیایند. اگر دیروز چنین بود امروز نیز این توجیه و تحریف در شکل زیبای ((قرائت های جدید از دین)) نمود می یابد. مهاجمان فرهنگی، با متد جدید و با چراغ قوی تر به خانه های دل جوانان شیخون می زنند ((تا گزیده تر برند کالا)). و همین ها هستند که با توجیه گری زمینه را برای دشمنان خارجی آماده می کنند؛ از این رو آمریکا به بهانه ((حقوق بشر)) کشورهای اسلامی را مورد حملات وحشیانه قرار می دهد و صهیونیسم به بهانه حفظ استقلال و تمامیت ارضی، قلب خاورمیانه و سرزمین مقدس فلسطین را اشغال می کند و هر روز صدها پیر و جوان و زن و کودک بی گناه قربانی می گردند و از صحن و سرای مسلمانان سیل خون جاری می شود....

### درس های عاشورا

قیام عاشورا، بزرگ دانشنامه ای است که سطر سطر آن با قلم خون رنگ شهدا، روی برگ های ماندگار تاریخ، تدوین یافته و با مهر حسین و تربت پاک کربلا-مهر و موم شده است؛ دانشنامه ای که همه درس ها، عبرت ها و پایه های اثباتی و سلبی زندگی، در آن نمودار گشته است. حماسه کربلا، پایان نامه حیات جاوید معدود اُمّتی است که با امتیاز ویژه و بی سابقه، در پیشگاه خدا مقبول افتاده است و برگ زرین شهادت و شفاعت، لوح تقدیر الهی است که در تماشاگاه راز و در موزه

ماندگار هستی پیوسته در معرض دید مکرر همه نسل ها و عصرهاست. اصول بنیادین یک زندگی عزتمند و طیب و طاهر به طور تام و کامل ارائه شده است: اصول اعتقادی و مبدأ و معاد؛ اصول اخلاقی و تربیتی در حوزه فردی و روابط انسانی و اجتماعی؛ اصول عملی و رفتاری در قلمرو فقه و ساماندهی زندگی؛ اصول عرفانی و مبادی سیر سلوک سبحانی و اصول بسیار دیگر که در این وقت کوتاه، فرصت بازگویی همه آنها نیست و تنها به تبیین چهار اصل می پردازیم: ۱- اصل عدالتخواهی و ستم ستیزی روزهای آغازین نهضت کربلا، پیشوای شهیدان، ستم ستیزی و عدالت گستری را از اهداف بلند قیام خود می خواند، چرا که عدالت، مدار اجرای بخش عظیمی از معالم دینی و قسط و عدل قوام جامعه قرآنی است. امام حسین با فرمان قرآن قیام کرده تا عدالت اجتماعی را طبق دستور خدا عملی سازد. کسی که آیه آیه قرآن را در دل دارد و گوشت و خونش با آن آمیخته است چگونه ممکن است امر مؤکد و مکرر آن را در احیای عدالت نادیده گیرد و آن را از اهداف اولیه مکتب تربیتی و جامعه ساز خود قرار ندهد؟ ((اعِدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَى)) (مائده / ۸). عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک تر است. و هم او از کودکی با عدل و ستم سوزی پدرش علی بن ابیطالب آشناست و از او آموخته است که: ((الْعِدْلُ اَسَاسٌ بِهٖ قِوَامُ الْعَالَمِ)) [۹]. عدالت پایه پایداری است که جهان به آن استوار است. چنان که جهان آفرینش و نظام کائنات و هر یک از نهادها و خلق های الهی بیرون از قانون عدل نیست، نظام تشریح نیز مبتنی بر قسط و عدل است. و حسین (ع) خود مظهر عدالتخواهی بود و اصلاً بزرگ ترین نشانه پیشوای صالح نیز همین است یعنی در برپایی و گسترش عدالت به پا خیزد و با جان و دل بکوشد و از پای ننشیند. و گرنه چه فرق است میان امامان برحق و هدایتگر و ائمه باطل و گمراهگر؟! چنان که سالار شهیدان این درس را به همگان آموختند و به صراحت تمام فرمودند: ((مَا الْاِمَامُ اِلَّا الْعَامِلُ بِالْكِتَابِ وَالْاِخْتِاطِ بِالْقِسْطِ، وَالِدَائِنُ بِالْحَقِّ، وَالْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلٰی ذَاتِ اللّٰهِ)) امام برحق کسی است که به کتاب خدا عمل کند و راه قسط و عدالت را پیشه خود سازد و از حق پیروی نماید و خویشان را وقف ذات خدا کند. عدالت گستری از پیام های بلند عاشوراست. و هنوز هم این پیام مهم در فضای ملکوتی نینوا و حرم مقدس عاشورا آفرین و سید شهیدان، از زبان زائران عاشق او طنین افکن است. آنان به تبع فرزندان معصوم سیدالشهداء که در زیارتنامه می خوانند و با روح حاضر و ناظر حضرتش زمزمه می کنند و می گویند: ((اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ وَدَعَوْتَ اِلَيْهِمَا وَاَنَّكَ صَادِقٌ صِدِّيقٌ، صَدَقْتَ فِيمَا دَعَوْتَ اِلَيْهِ)) [۱۰]. ای حسین (ع) گواهی می دهم که تو، به اجرای قسط و عدالت، فرمان دادی و جامعه اسلامی را به عدل و قسط فراخواندی، و تو راستگویی و صدیقی و به هر چه فراخواندی صادقانه فراخواندی. [و به دور از ریا و تزویر و خدعه و نیرنگ]. و این عدالتخواهی، به گفتار امام حسین (ع) و روز عاشورا محدود نمی شود. پرونده این دادنامه توسط زینب قهرمان و زهرای کربلا- همچنان مفتوح ماند و در جریان بود؛ یعنی از مرز شهادت و اسارت سخن از عدل و داد و فریاد علیه عدالت شکنان دیروز و فرداهای تاریخ می زند و این عقیده بنی هاشم است که در مجلس یزید و در آن محکمه علنی سخن از عدالت می زند و رو در روی مستبد اموی می گوید: ((اَمِنَ الْعَدْلُ يَابْنَ الطَّلَقَا تَحْذِيرُكَ اِمَاكَ وِنِسَاكَ... ای پسر آزادشده! آیا این عدالت است که زنان و دختران و کنیزکان تو پس پرده به عزت بنشینند و تو دختران پیامبر را اسیر کنی، پرده حرمت آنان بدری، صدای آنان را در گلو خفه کنی و مردان بیگانه آنان را بر پشت شتر از این شهر به آن شهر بگردانند و در چشم انداز هر کس و ناکس قرار گیرند؟! [۱۱]). راز تأکید بر عدالتخواهی: امام حسین با این حرکت عدالتخواهانه، به حاکمان اسلامی، هشدار می دهد و ارزشبانان راستین را انذار می کند که آب حیات عدالت را در جامعه جاری سازند و مردم را از این چشمه سار حیات بخش سیراب کنند. اگر امام حسین (ع) در حیات پُراختناق و پرفراز و نشیب و هراس آمیز خود، سخن از عدالت می زند و در خطبه های مکه و منی و راه مکه و کربلا، بیش از هر مقوله و بیش از هر موضوع دیگر، عدالت اسلامی را مطرح می کند و آن را به هر موضوع مهم اجتماعی و... مقدم می دارد، از آن رو است که مایه زنده ماندن احکام دین، اجرای عدالت است: ((الْعِدْلُ حَيَاةٌ

الأحكام)). [۱۲]. در بزرگ مکتب عاشورا می آموزیم که باید عدالت را جاری ساخت و با فقر و تکاثر و اتراف و اسراف، مبارزه نمود، فسادهای قضایی، مالی و فاصله های طبقاتی و معیشتی را ریشه کن نمود. در صحرای کربلا- مهم ترین سخنرانی که از زبان حسین عاشورا آفرین جاری گشت درباره عدالت بود و در خصوص تبیین اهمیت، اصالت و ضرورت اجرای آن. چرا رهبر آزادگان و امام عدالتخواهان بر عدل و قسط این همه تأکید دارد؟ زیرا آن حضرت دینداری مردم را در فقرزدایی و اجرای عدالت اقتصادی و اجتماعی و ستم سوزی در همه ابعاد آن می دید. چرا که امام (ع) با بصیرت الهی می دانست که فقر بدون اجرای عدالت ریشه کن نمی شود. آری سرور شهیدان با شعار عدالت خواهی قیام کرد، تا متصدیان امور اجرایی، عدالت را در مقام عمل و قلمروهای مختلف اقتصادی و سیاسی بجویند نه در خطابه ها، همایش ها، میزگردها، مصاحبه ها و گفتمان ها و شعارها. اگر مدیران اجرایی جامعه و حکومت، عاشورایی بیندیشند و در راه اجرای عدالت با تمام توان بکوشند، به یقین اهداف بلند سالار شهیدان زنده شده و نصر خدایی، بر ما فرود می آید و ولّی زمان (ع) و زعیم انقلاب، و ارواح شهیدان از ما راضی می شوند و اقتدار عمیق و پایدار و همدلی و وحدت راستین نصیب ما می گردد. در آن صورت است که می توانیم - چنان که وظیفه داریم - درباره اجرای عدالت در حق دیگر ملت های مظلوم مسلمان در فلسطین، مصر، لبنان، الجزایر، جامو، کشمیر افغانستان، بوسنی و هرزگوین... اقدام کنیم و آن مظلومان بین المللی را نجات دهیم. [۱۳]

\$ ستم ستیزی، زمینه عدالت گستری: آری عاشورا پدید آمد تا همه ظلم ها را براندازد. چه ظلم های حکومت یزیدی و چه ظلم های همه ظالمان سیاسی، اقتصادی در سراسر تاریخ و این پیروان حسین و عاشورا اندیشند که باید به هشداردهی و انذارگری پردازند. به جای فضیلت زدایی، فقرزدایی کنند و فاصله های طبقاتی را از میان بردارند. رسالت باوران ابوذر شعار، نباید در برابر ستم گستری و خودکامگی ستم پیشگان سکوت کنند. باید پیوسته در حوزه نظر و عمل، مسلمانان جهان را به هوش آورند و آنها را علیه استعمار سالاری روشن نمایند تا به ذلت و خواری و ستم پذیری تن ندهند و استقلال و سیادت خود را دریابند. امروز مشکل اساسی در جوامع انسانی، تکاثر و اشرافی گری است؛ یعنی ثروت های کلان در نزد گروهی گرد می آید و زندگی های شادخوارانه، شروع می شود و اقتصادی ناسالم بر جامعه حاکم می گردد و قشرهایی بسیار در خط فقر و زیر فقر با انواع محرومیت ها به سر می برند و کسی به داد آنها نمی رسد و برای رفع محرومیت ها به درستی برنامه ریزی نمی شود. در زمان امام حسین (ع) نیز جامعه اسلامی دچار چنین مشکلی شده بود. سرمایه داران با حمایت امویان و حاکمان سرمست شام، سرنوشت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و حتی دینی را در دست داشتند. بر اموال عمومی چنگ زده و بیت المال را به بازیچه گرفته و آن را وسیله سوداگری و سودآوری قرار داده بودند. اما برخی از مردمان فهیم و بصیر، همانند حبیب بن مظاهر و سلیمان بن صرد خزاعی و رفاعه بن شداد و... این دردهای جانکاه را حس می کردند و در صدد درمان آن بودند. آنان با همین انگیزه، از کوفه به امام حسین (ع) نامه نوشتند و این بی عدالتی ها و ستمگری ها را یادآور شدند و امام (ع) را به قیام عدالتخواهانه، فرا خواندند و وعده یاری و نصرت دادند. امام (ع) با شناختی که از حکومت ستم گستر و عدالت ستیز و جامعه ستم پذیر و ظالم پرور خود داشت، می دانست که راهی جز قیام خونین برایش باقی نمانده است هر چند در این میدان تنها و تنها خواهد ماند! بدین منظور از مدینه به سوی مکه حرکت کرد تا زمان را بسنجد و زمینه مناسبی بیابد. به هنگام حرکت وصیت نامه ای نوشت و آن را به برادرش محمد بن حنفیه سپرد. در آن وصیت نامه، انگیزه و هدف حرکت فرهنگی - سیاسی خود را چنین بیان نمود: ((إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَأِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ حَيْدَى مُحَمَّدٍ (ص)) [۱۴]. من به منظور تباه گری و خودخواهی، و فساد و ستمگری قیام نکرده ام و تنها برای اصلاح امت جدّم محمد (ص) قیام کرده ام. پس عدالت گستری و ظلم ستیزی از اهداف اولیه قیام حسینی بود و هم اینک عاشورائیان و دل سپردگان راستین حسین (ع) باید در اجرای قسط و عدل بکوشند و گرنه باید در آتش ظلم و بی عدالتی بسوزند و نیز باید بدانند که عزت و کرامت حسینی را

نمی‌توان با بی‌عدالتی‌ها به دست آورد. زیرا ملّتی که همه یا قشرهایی از آن، مورد ستم قرار گیرند و نظام حاکم، به اجرای عدالت نپردازد و همچنان تبعیض و بی‌عدالتی را روا دارد، آن ملّت، هرگز به کُرسی عزّت و کرامت نخواهد نشست بلکه همیشه پذیرای ذلّت و زبونی خواهد بود. آری عدالتخواهی آرمان قلبی حسین شهید و شهیدان کربلا بود و با این هدف پا به میدان نهادند و کفن سرخ بر تن کردند و با همین آرمان به شهادت رسیدند. ولی جوامع اسلامی، در عمل نسبت به شعائر بلندآوازه عاشورائیان کوتاهی می‌کنند و در تحقق آنها با تمام وجود نمی‌کوشند؛ از این رو همواره باید بر عاشورا آفرینان گریست و عاشورایی باز بر عاشورا گرفت. یعنی به جز این که امام حسین (ع) در عاشورا شهید شده است، عاشورا نیز در تاریخ قربانی شده و پیام اصلی عاشورا یعنی ((عدالت گستری)) فراموش گشته است. [۱۵]. [۲۰]. - مرزبانی ارزش‌های پیامبر اسلام (ص) در دوران پُربار رسالت خود، آیین جامعی بنیان نهاد؛ آیین کامل و دارای نظام اجتماعی، سیاسی و تشکیلات حقوقی و نه مشتی پند و اخلاق و ذکر و عبادت. مرزبانی از چنین آیینی، شخصی چون پیامبر می‌طلبد؛ کسی که منصب امامت و امارت و ریاست و سیاست را داراست و آن در این مقطع، حسین بن علی (ع) است. پس حسین (ع) تصویری از محمّد (ص) با مسؤلیت نگهبانی دین و مرزبانی از سنّت و سیره نبوی است. و همین است معنای حدیث شریف نبی اکرم (ص): ((حسین مَنّی وَاَنَا مِنْ حُسَیْن)) حسین از من و من از حسینمپس حسین بن علی (ع) نه فقط یک رئیس سیاسی و نه یک واعظ اخلاقی که یک داعی رحمانی بود از سوی رسول خدا با کوله باری از تکلیف امامت و رهبری اُمت. از آن سوی، دارالاماره دمشق، حزب مقتدر بنی امیّه و بت پرستان به ظاهر مسلمان شده اموی، در تحریف معارف دین، همچنان پایداری می‌کردند تا اسلام را به حال فراموشی بسپارند. آنها با این هدف پیش تاختند و سرانجام در مدّت اندک با تبلیغات و حاکمیت فرهنگ التقاطی و انحرافی، قرآن مهجور ماند، دین رو به اضمحلال نهاد، ارکان حکومت متزلزل گشت، خورشید دین به افول گرایید، آفتاب تیره شد و حیات طیب، غبار مرگ گرفت و سرانجام فاجعه حکومت و سلطنت غدار بنی امیّه ((یزید بن معاویه)) به نام خلافت اسلامی رخ نمود. او بر خلاف پدرش، تظاهر به اسلام را نیز نادیده گرفت و آشکارا وحی و نزول قرآن را منکر شد و عقب گرد جاهلی را پیشه خود ساخت و کیش نیاکان مشرک خود را ملاک عمل قرار داد. در چنین فضای غبارآلود، اسلام و اُمت محمّد به زمامداری نیازمند شد تا به پا خیزد و با یک انقلاب، حکومت اسلامی را تصحیح نماید و آن را از دست ناهلان نجات دهد، یا با یک قیام بزرگ و عمیق از راه اهدای خون، به تطهیر جامعه دست زند و آن همه مظالم و جنایات را بشوید تا جامعه به خود آید و شورها و شعورهای افول کرده باز گردند و مردم، حیات مجدّد گیرند و کلمه حق اعتلا یابد. این پیشوا، حسین بود و این قیام، عاشورا. [۱۶]. روشن بینی: امام حسین (ع) با درایت و بصیرت خاصّ خود دریافت که طبق دستور حکومت شام در این روزها، در مکه کشته می‌شود و آن، دو پیامد ناگوار به دنبال دارد: الف - خون امام (ع) به هدر می‌رود و جایی را رنگین نمی‌سازد و شهادتش به فراموشخانه تاریخ سپرده می‌شود و هرگز نمی‌تواند منشأ اثر باشد و اسرار شهادت همچنان نهفته می‌ماند. ب - حرمت حرم خدا شکسته می‌شود. امام که مرزبانی و حفظ حدود الهی را در دو حوزه فردی و اجتماعی رعایت می‌کند در سخت‌ترین اوضاع نیز، حریم‌ها را پاس می‌دارد و حاضر نیست با به راه انداختن جنگ و پیکار، حریم حرم الهی شکسته شود و امویان از آن به عنوان بهانه تبلیغی علیه حضرت استفاده کنند. مرزبانی امام (ع) هم‌دوش روشن بینی او است، از این رو حسّاس‌ترین روزها یعنی هشتم ذی‌الحجه مکه را پشت سر نهاد و از حرم امن الهی به سوی سرزمین عراق حرکت کرد. عبدالله بن عبّاس، از وی خواست تا در مکه بماند، نپذیرفت و در پاسخ او فرمود: لَأَنْ أُقْتَلَ وَاللَّهِ بَمَكَانٍ كَذَا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُسَيِّحَلَ بِمَكَّةَ)) [۱۷]. به خدا سوگند در جای دور از مکه کشته شوم برایم محبوب‌تر است از این که ریختن خونم در مکه مباح شمرده شود. پس خروج حسین از مکه نه برای فرار از شهادت که برای تداوم اصل نبوت، و حفظ و حراست از آیین محمدی و ارزش‌های دینی است ((وَأِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ حَيْدِي)) [۱۸] من تنها به منظور



اصلاح و سامان بخشی در امور امت جدم بیرون آمده ام. آری مرزبان دلسوز و دین باور درد آشنا، نه در فکر آسایش که در پی تلاش پیوسته است و مصالح و منافع شخصی خود را فدای مصالح اجتماعی می کند؛ همانند حسین بن علی (ع) که از حج و طواف رسمی و صفا می گذرد و عرفه را پشت سر می نهد، تا به مردم معرفت آموزد و در اقدام و عمل اعلام کند که در عرفه بودن و دعای عرفه خواندن، بی کسب معرفت، سودی جز زحمت و خستگی ندارد! ارزشبان باید ارزش شناس باشد و نجات نسل را بر نجات شخصی خود برتری بخشد و ایثار نماید و جان خود را برای حفظ جامعه دینی، به خطر اندازد. اگر امام حسین (ع) راحت طلبی را ملاک عمل می دانست، به پیشنهاد عابدان آسایش طلب آن روز، در مکه می ماند و از مردم و حکومت احترام مضاعف می دید و هرگز رنج سفر نمی کشید، نشان تیرها و شمشیرها نمی شد و کربلایی پیش نمی آمد. ولی او برای استمرار حکومت رسول خدا به دشت آتش پا نهاد. همان سیره ای که پیامبر داشت. او میان سنگر بعثت و بستر مرگ لحظه ای آرام نشست و پیوسته در تلاش و مجاهده بود. امام حسین نیز با این باور به استقبال مرگ و شهادت می رود و می گوید: ((إِنَّ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَيْقُمْ إِلَّا بِقَتْلِي فَيَا سَيُوفُ خُذِينِي)) [۱۹]. اگر آیین (جدم) محمد(ص) جز با کشتن من پایدار نمی ماند پس ای شمشیرها به سوی من فرود آید. امام با این حرکت خود به مرگ معنای تازه می بخشد. [۲۰\$]. پیشوای هدایتسالار شهیدان از روزهای آغازین نهضت، در گفتار و کردار و نظر و عمل، خود را ارزشبان و حافظ معالم دینی معرفی می کرد و مرزبانی دینی را از مسئولیت های اولیه خود می دانست. حضرت در نامه ای به شیعیان خود در بصره چنین نوشت: ((سلام بر شما. اما بعد من شما را به زنده کردن آثار و نشانه های حق و نابود کردن بدعت ها فرامی خوانم و اگر بپذیرید به راه های رشد و هدایت رهنمون خواهید شد.)) [۲۱]. از این بیان بلیغ و موضع روشن برمی آید که امام (ع) در پی حفظ حدود الهی، زنده کردن دین و دینداری و زدودن لکه های ننگی بود که به نام اسلام، چهره زیبای دین را مشوه ساخته بود. در عمل و اقدام نیز چنین می نمود. چرا که زمان حرکت او به کربلا، زمانی است که مردم در آستانه طواف کعبه اند و او اگر پیشاپیش مردم، همچنان بر گرد کعبه می گشت، امامت را مطرح نکرده بود. او زمانی فریاد ((هل من ناصر ینصرنی)) سر می دهد که هنوز عده ای در حرم خدایند و ((لبیک اللهم لبیک)) سر می دهند و این بدان معناست که اگر اعتقاد به ولایت و پیروی از امامت نباشد، گشتن به دور خانه خدا هم عبث است و بی امام، طواف کعبه هم بی ثمر. و همیشه چنین بوده است که هر که پای در بند ولایت خدایی نکرده لاجرم گردن به ریسمان شیطان بسته است. بی امام راه رفتن، جنگیدن، نشستن، برخاستن، نماز و حج گزاردن و حتی تنفس نمودن هلاکت است. مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ)) [۲۲]. آنکه بمیرد و تا آن لحظه امام زمان خود را شناسد به جاهلیت مرده است. آنها که با حسین برنخاسته اند، به راه نیفتاده و به کربلا نیامده اند به جاهلیت مرده اند هر چند در داخل خانه خدا به نماز و در گرد آن به طواف ایستاده باشند. و چنین است حال و روزگار آنان که دیروز به ندای فرزند حسین و خمینی بت شکن پاسخ ندادند و برای دفاع از اسلام راهی جبهه ها نشدند و راهیان جبهه و مجاهدان را چشم انتظار گذاشتند. این دسته از مقدس مآبان، اگر صدها بار به زیارت کربلا بروند، سودی به حالشان ندارد و جز خستگی راه و سنگینی مؤونه و هزینه مال ثمری ندارد. آنان که رهبر محبوب خود را مهجور می سازند ولی در استلام حجر و بوسیدن و بوسیدن آن از دیگران سبقت می جویند نمی دانند که بوسیدن حجرالاسود با بوسیدن سنگ و صخره صحراها برای این دسته یکسان است! آری امام (ع) در شرایط بسیار خطرناک به مرزبانی دینی پرداخت تا ذره ذره وجود اسلام را با رنگ خون، جاودانه نماید. اگر نماز حسین در عاشورا در زیر باران مداوم نیزه ها نبود اکنون نماز نمانده بود. امروز اگر تشنگی تابستان را با دهان روزه تاب می آوریم از آن جهت است که ذره ای از عطش جگرسوز حسین را در کربلا تجربه کنیم. بی یاد حسین تحمّل روزه در گرمای سوزان جبهه چگونه ممکن بود؟ و اگر نای خون آلوده حسین، سروش عشق سر نمی داد و سر بریده اش در زیر ضربات چوب های خیزران نه از دوست که از دشمن نیز تاب و تحمّل نمی ربود، امروز پس از گذشت

هزار و اندی سال، جوانان ما در زیر رگبار خمپاره‌ها به عشق دیدار خداوند تاب نمی‌آوردند. اگر حسین حج خود را نیمه‌کاره رها نمی‌کرد و از زیارت خانه، به دیدار صاحبخانه نمی‌شتافت و اگر لباس احرام از تن بر نمی‌کند و در میقات نینوا با لباس سرخ نادوخته عشق مُحرم نمی‌شد، هزاران جوان بسیجی به عشق حسین، حجله عروسی را به سوی جبهه و سنگر، ترک نمی‌گفتند و به جای لباس دامادی، کفن سرخ شهادت بر تن نمی‌کردند و با تمام وجود به مرزبانی نمی‌پرداختند. [۲۳] \$ - غیرت دینی جوانمردی و غیرت، از دیگر اصول انسانی و درس‌های عاشورا است. انسان به فطرتش از فرومایگی و بی‌حمیتی بیزار است و ننگ و عار را نمی‌پذیرد. حمیت و غیرت، به ویژه غیرت دینی، از خصال مردان خداجوی و دیندار و هم‌سداستوار فرومایگی و ستم‌پذیری است و حرمت آدمی نیز به مقدار حمیت و غیرت او است. طهارت ذاتی، عصمت و نیروی ایمان، در حسین (ع) چنان روح فتوت و جوانمردی دمیده بود که هرگونه بی‌حمیتی را خلافِ روندِ فطرت و خلافِ مقتضای مکتب آسمانی می‌دید؛ در حدی که وقتی در شرایط بحرانی و در روزهای آغازین نهضت، او را به بیعت با یزید فراخواندند، در پاسخ فرمود: ((مِثْلِي لَا يُبَاعُ مِثْلَهُ)) [۲۴]. شخصی مثل من با شخصی چون یزید بیعت نمی‌کند! این جمله جمیل و کوتاه و کوبنده امام (ع) یک جمله فراتاریخی و جغرافیایی و فراتر از من شخصی است. حضرت به جای آن که بگوید من با یزید بیعت نمی‌کنم، فرمود: شخصیتی مثل من با مثل یزید بیعت نمی‌کند. با این گفتار به پیروان نهضت و راهیان خونین بال در فرادهای زمان، خط فکری و سیاست آینده مرزبانان دینی را نیز تعیین نمود تا رهبران آینده تشیع نیز هیچ‌گاه با قدرت‌های باطل و یزید مسلک زمان خود دست بیعت ندهند و با استقلال فکری خود، به مرزبانی حریم دین پردازند. غیرت دینی و بصیرت الهی: تمام صحنه‌های زندگی حسین (ع) آموزشگاه حمیت و نمودی از غیرت دینی است برای نمونه: معاویه پیوسته در تلاش بود تا از راه‌های گوناگون، با امام حسین (ع) سازشکارانه برخورد نماید و آن حضرت را با خود هماهنگ سازد. ولی حضرت کمترین انفعالی نشان نداد؛ در حدی که روزی از دختر عبدالله بن جعفر، برای پسرش یزید خواستگاری نمود. عبدالله با امام (ع) مشورت کرد، حضرت فرمود: ((أَتُرَوِّجُهُ وَسَيُؤْفِقُهُمْ تَقَطُّرُ مَن دِمَائِنَا)) [۲۵]. آیا می‌خواهی به او دختر دهی، در حالی که از شمشیرهایشان خون ما می‌چکد؟! معاویه در پی آن بود که با چنین ازدواجی، بنی‌هاشم را از موضع مقابله با امویان و ستمگری ایشان، به آشتی و سازش کشاند. ولی امام (ع) با بصیرت الهی این سیاست شیطانی معاویه را دریافت و نقشه را نقش بر آب نمود. امروز نیز نقشه‌ها، شیطنت‌ها و پیشنهادهای جنجال‌برانگیز اموی مشربان، در زبان و قلم دشمنان خارجی به ویژه آمریکا و اذنان داخلی آنان، جاری است. آنها با بهانه‌های مختلف و ترفندهای گوناگون، درصدد تسخیر تفکر سیاسی سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی جامعه اسلامی هستند تا آنان را به پای مذاکره و سازش بکشند ولی به عیان دیدند و شنیدند که رهبر فرزانه، با آنها حسینی برخورد کرد و با قاطعیت تمام در برابر آنها ایستاد و همچنان بر موضع مقتدرانه نظام، علیه آمریکا تأکید نمود: ((کسانی که دم از مذاکره با آمریکا می‌زنند، یا از القبای سیاست‌چیزی نمی‌دانند یا القبای غیرت را بلد نیستند، در حالی که دشمن این طور اخم می‌کند، این طور متکبرانه حرف می‌زند، این طور به ملت ایران اهانت می‌کند، تصریح هم می‌کند که می‌خواهد علیه این نظام و این کشور و منافع آن اقدام کند، عده‌ای در اینجا ذلیلانه و زبونانه می‌گویند چه کار کنیم، درخواست کنیم، خواهش کنیم؟! این اهانت به غیرت و عزت مردم ایران است. این نشانه بی‌غیرتی است، این سیاستمداری نیست)). [۲۶]. غیرتمندی در فرهنگ عاشورا: غیرت و تعصب دینی امام حسین (ع) اجازه نمی‌دهد که دین اصیل اسلام مورد تاخت و تاز شامیان قرار گیرد و او همچنان ساکت و صامت بنشیند و بی تفاوت بماند. او با این حرکت خود، درس بزرگی به غیورمردان زمان ما داد تا آنها نیز مثل او عمل کنند و اسلام اصیل را پاس بدارند و اسلام بی‌روح و آمریکایی را جایگزین اسلام ناب محمدی ننمایند. پیام او از مکه به مردم بصره گواهی صادق بر این مدعا است. آن حضرت در این نامه نوشت: ((وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ (ص) فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ)) [۲۷]. من شما را به کتاب خدا و سنت

پیامبرش (ص) دعوت می‌کنم؛ چه آن که سنت را میرانده اند و بدعت را زنده کرده اند. این گفتار امام به صراحت نشان می‌دهد که قیام حضرت بر اساس غیرت دینی بود؛ چرا که دیانت و حقیقت، والاترین ارزش‌های زندگی آدمی است و نباید بر تباهی و ویرانی آرام‌گرفت و کنج عافیت جُست و از خستگی و ترس و بی‌تفاوتی سپر و سنگر دفاعی ساخت. مظاهری از غیرت و جوانمردی حسین (ع): جمله جمله سخنان امام (ع) در مسیر مکه و کربلا و روز عاشورا، جلوه‌ای از غیرت و حمیت دینی و مذهبی او است. اصولاً دور از غیرت و فتوت حسین بن علی (ع) است که ببیند دین مسخ و نابود می‌شود و او همچنان زنده است. این برداشت، از لحن این گفتار امام (ع) به روشنی معلوم است هنگامی که خطاب به مردم فرمود: ((الَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ)) [۲۸]. هان ای مردمان! آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل دوری نمی‌شود؟ یا آنجا که هنگام رو یا رویی با مروان در مدینه فرمود: ((إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ عَلَى الْإِسْلَامِ الْإِسْلَامُ إِذْ بُلِّيتِ الْأُمَّةُ بِرَاعِ مِثْلِ يَزِيدٍ)) [۲۹]. آنگاه که افرادی چون یزید بر مسند حکومت اسلامی تکیه زنند باید با اسلام بدرود گفت و فاتحه آن را خواند. آهنگ گفتار امام دورنمایی از جوش و خروش و اوج خشم او از باطل اندیشی و باطل‌پذیری جامعه را به تصویر می‌کشد. موقعیت امام هنگام بیان این گفتارها موقعیت آن قهرمان قوی و غیوری است که می‌بیند کودک یتیمی را در وسط کوچه می‌زنند و همه خویشاوندان، همسایه‌ها، دوستان و آشنایانش همچنان نگاه می‌کنند و دم فرو بسته، صدا بر نمی‌آورند و فریاد نمی‌زنند، اعتراض نمی‌کنند و بی‌حرکت مانده‌اند. او با دیدن این صحنه ناگوار، می‌خروشد و می‌گوید: چرا ایستاده‌اید مگر نمی‌بینید که این کودک خردسال و یتیم و بی‌کس، همچنان زیر ضربات ناجوانمردانه است و شما تماشاگر این صحنه‌اید و مهر سکوت بر لب زده‌اید؟! غیرت شما چه شده که این صحنه دلخراش را می‌بینید و عکس‌العمل نشان نمی‌دهید؟! هنوز این آوای حماسه آفرین حسینی، در فضای ایران اسلامی طنین افکنده و بر گوش حسینیان می‌رسد و آنها نیز مثل مقتدا و مولای خود نمی‌توانند مظاهر بارزی از باطل را ببینند و در برابر آن ساکت بنشینند. جوانان غیرتمند بسیجی با داشتن الگویی چون شهیدان عاشورا و سید آنان، چگونه می‌توانند ناهنجاری‌های اجتماعی را ببینند و لب‌فرو بندند و بی‌تفاوت بنشینند. آیا سزاوار مخاطبان حقیقی حسین است که هر روز در گذر زندگی، عکس‌ها، فیلم‌ها و برنامه‌های ابتذال آفرین و آفت‌زا را ببینند و ساکت از کنارش بگذرند و عکس‌العمل نشان ندهند؟! با حضور جوانمردان غیور در مدرسه تربیتی بسیج، باید نهال معرفت دینی و دین‌باوری بیشتر جوانه زند و معنویت و خودسازی در مدرسه و دانشگاه و در همه اقشار جامعه بیش از پیش جان بگیرد و به ثمر نشیند. آری سالار شهیدان، با خطبه‌ها و خطابه‌ها و امر و نهی‌های مکرر خود، در روز عاشورا، روح غیرتمندی را در جوانان شیعی شکوفا کرد. او پس از نماز ظهر عاشورا، یاران غیور و پر حمیت خود را به دفاع و پیکار و پشتیبانی و حمایت فرا خواند و فرمود: ((فَحَامُوا عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ دِينِ نَبِيِّهِ وَ ذَبُّوا عَنْ حَرَمِ الرَّسُولِ)) [۳۰]. از دین خدا و آیین پیامبرش حمایت کنید و به دفاع از حرم و اهل بیت رسول خدا (ص) برخیزید. غیرت دینی علمدار کربلا: زیباترین جلوه غیرتمندی و حمیت دینی، وجود پربرکت عباس بن علی (ع) علمدار والای کربلاست که چون دست راستش در میدان پیکار قطع شد، شمشیر به دست چپ گرفت و همچنان پیش می‌تاخت و این گونه رجز می‌خواند: وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمُو يَمِينِي إِيَّيْ أَحَامِي أَيْدَا عَنْ دِينِوَعَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ يَقِينٍ نَجَلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْأَمِينِ [۳۱]. به خدا سوگند اگر دست راستم را قطع کنید پیوسته از دینم و از پیشوای راستین و برحق خود که فرزند پیامبر پاک و امین است، حمایت می‌کنم. آری شما حافظان ارزش‌ها که غیور و قدرشناس‌اید، همچون عباس غیرتمند، پیوسته بر عهد خود وفادارید و هرگز دست از حمایت و تبعیت پرچمدار نهضت و رهبر فرزانه و حسینی تبار و عاشورایی مسلک، خامنه‌ای بزرگ بر نمی‌دارید، و این درس ادب را از خود وی آموخته‌اید. او خود را فدای آرمان رهبر فقید، خمینی کبیر نمود و در این راه دست خود بداد ولی دست از او برنداشت. \$۴ - کرامت مندی و عزت مداریمیل به عزت و انزجار از ذلت از امور فطری است که خداوند بر اساس حکمت بالغه

خود در نهاد افراد بشر به ودیعت نهاده است تا انسان از کارهای ذلت آور دوری جوید و از فرومایگی بپرهیزد. عزت حالتی است که نمی گذارد انسان شکست بخورد و مغلوب واقع شود و ذلت مخالف آن است، یعنی نبود حالت شرافت و عزت در آدمی، به طوری که انسان به سادگی پذیرای شکست شده، مغلوب دیگران می شود. [۳۲]. هر چند سخنانی که از امام حسین (ع) به ما رسیده بسیار اندک، و خطبه ها و کلمات قصارش محدود است، ولی هیچ مطلبی در کلمات و نامه های ایشان، به اندازه بزرگواری و کرامت نفس به چشم نمی خورد. اصلاً مثل این که روح حسین (ع) مساوی با بزرگواری و عزتمندی است. افزون بر آن، در رفتار و اخلاق عملی امام (ع) عزت و کرامت مداری به روشنی مشهود است. از روزهای آغازین قیام و حرکت امام از مدینه تا لحظه شهادت هر یک از اعمال او مظهري از سرافرازی و بزرگواری بود و این خصلت فطری و خداپسند را با مقام عصمت و تعلیمات رسول خدا (ص) به فعلیت رساند، چنان که خود آن حضرت می فرمود: ((ارتباط با رسول خدا(ص) مرا از این که تن به ذلت دهم، باز می دارد.)) مگر می شود حسینی که خون پیامبر اسلام، در رگ های او جاری است و از مکتب او درس ها گرفته است، تن به ذلت بدهد؟! تأثیر این ارتباط عزت بخش در روح حسین (ع) تا آنجا بود که وقتی از او پرسیدند، سخنی که با گوش خود، از پیامبر (ص) شنیده ای، برای ما نقل کن، ایشان این حدیث را نقل کرد: ((إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَأَشْرَافَهَا وَيَكْرَهُ سَفَافَهَا)) [۳۳]. خدا کارهای بزرگ و رفیع را دوست می دارد و کارهای پست را خوش نمی دارد. آری ارتباط با خدا و رسولش، نفس آدمی را از زشتی ذلت، می پالاید و به زیور عزت می آرید، زیرا که همه عزت از آن خداست و اگر کسی طالب عزتمندی است باید با بندگی خدا، آن را به دست آورد: ((مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا)) (فاطر / ۱۰). کسی که خواهان عزت است، عزت یکسره از آن خداست. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد: آیه در صدد این نیست که عزت را فقط به خدا اختصاص دهد به گونه ای که غیر خدا دستش به آن نرسد... بلکه مفهوم آیه این است که هر کس عزت می خواهد باید از خدای تعالی بخواهد؛ چرا که آن، ملک خداست و بس.

[۳۴]. کرامت مندی در کلام و کردار حسین (ع): عزت و کرامت و ذلت ناپذیری در سخنان، اشعار و رجزهای امام متجلی است. شخصی آن حضرت را از رفتن به کربلا بر حذر داشت؛ حضرت در جوابش فرمود: سَأْمُضِي وَمَا بِالْمَوْتِ عَارٌّ عَلَيَّ الْفَتَى إِذَا مَا نَوَى حَقًّا وَجَاهَدَ مُسْلِمًا فَإِنْ عَشْتُ لَمْ أَدْنَمْ وَإِنْ مِتُّ لَمْ أَلَمْ كَفَى بِكَ ذُلًّا أَنْ تَعِيشَ وَتُرْغَمًا [۳۵]. به کربلا خواهم رفت و مرگ بر شخص جوانمرد آنگاه که یتیم دارد و در راه هدف بزرگی چون اعلائی کلمه حق جهاد می کند، ننگ نیست. پس اگر در این راه زنده ماندم پشیمان نمی گردم و اگر کشته شدم ملامت نمی شوم. برای ذلت و خواری تو همین بس که زنده باشی و مغلوب و مقهور گردی. و نیز فرمود: ((إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَوَةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا)) [۳۶]. من مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز ننگ و عار نمی دانم. ذلت زدایی و تنفر از ذلت پذیری در فرهنگ شیعه به صورت شعار حیاتی و همگانی درآمده است و شیعیان با الهام از این اصل تربیتی، همواره عزتمدارانه زندگی می کنند. آنان این آموزه حسینی را ملاک عمل قرار داده و جان می دهند ولی خود را به خاک ذلت نمی افکنند. ما این حقیقت را در دوران انقلاب اسلامی به عیان دیدیم، چنان که امام حسین فرمود: هِيَهَاتَ مِّنَ الدَّلَّةِ يَا بِي اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)) [۳۷]. ذلت و خواری از ما خاندان نبوی دور است. خداوند و پیامبرش و مؤمنان آن را بر ما نمی پسندند. یعنی خلقت خدایی ما و تربیت مکتبی ما به گونه ای است که ذلت تا حریم ما فاصله بسیار دارد. حسین بن علی (ع) در عمل هم این معنا را نشان داد. او در روز عاشورا در واپسین لحظات حیاتش که دشمن می خواست به خیمه هایش یورش برد، فرمود: ((وَيْلَكُمْ يَا شِيعَةَ آلِ أَبِي سَفْيَانَ! إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَلَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَخْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ أَنَا أَقَاتِلُكُمْ وَأَنْتُمْ تُقَاتِلُونَنِي وَالنِّسَاءُ لَيْسَ عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ)) [۳۸]. ای پیروان خاندان ابوسفیان وای بر شما! اگر دین ندارید و از قیامت نمی ترسید لا اقل در دنیای خود، آزادمرد باشید و در خود احساس شرافت بکنید. من با شما می جنگم و شما هم با من؛ این زنان که تقصیری ندارند! در آخرین باری که ابن زیاد از امام (ع) خواست در برابر یزید سر تسلیم فرود آورد،

آن حضرت فرمود: ((لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي اعْطَا الدَّلِيلَ وَلَا اقْرَأْ اِقْرَارَ الْعَبِيدِ)) [۳۹]. من مانند یک آدم پست، دست به دست شما نمی‌دهم و مانند یک برده به [حکومت غاصبانه] شما اقرار و اعتراف نمی‌کنم. بالاتر از آن، امام در گرما گرم جنگ و در حالی که تمام یارانش به خون غلتیده بودند، شعار سیادت و کرامت و عزتمداری و آقایی سر داد و از ذلّت و پستی، اعلان بیزاری کرد و فرمود: الْمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ اَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ [۴۰]. مرگ با عزّت بهتر از زندگی توام با ننگ و عار است و مرگ با ذلّت و شکست ظاهری بهتر از زندگانی است که نهایتش عذاب و دوزخ است.

### کتاب شناسی عاشورا

در پایان برخی از کتاب‌هایی که قیام سیدالشهدا را به شیوه تحلیلی بررسی کرده‌اند معرفی می‌کنیم: ۱- قیام حسین (ع) از سید جعفر شهیدی که تحلیلی است جامعه‌شناسانه از علل تاریخی، سیاسی و اجتماعی حادثه عاشورا با قلم روان و زیبا. ۲- وارثان عاشورا، از علی صفایی حایری، که با روش نو و بیان بلیغ، نقش تربیتی عاشورا و شیوه زنده نگه داشتن یاد و نام شهیدان کربلا را بررسی می‌کند. ۳- مدرسه حسینی از مصطفی دلشاد تهرانی، که به بیش از بیست اصل از اصول تربیتی مدرسه حسینی و فرهنگ عاشورا پرداخته است. ۴- خدا کند تو بیایی از مهدی شجاعی که با قلم بسیار شیوا و زیبا و ادیبانه و جوان پسند تدوین یافته و کیفیت اقتدا به حسین عاشورا آفرین را تبیین نموده است. ۵- قیام جاودانه اثر محمدرضا حکیمی، تحلیلی است علمی تاریخی و جامعه‌شناسانه مبتنی بر اصول واقع‌گرایی از نهضت کربلا و اهداف سیدالشهدا با قلم قوی، حماسی، موزون، آهنگی بسیار جذاب و خواندنی. ۶- درسی که حسین به انسان‌ها آموخت، از سید عبدالکریم هاشمی نژاد (قدس سره) تحلیلی است از آثار و اسرار قیام خونین، از آغاز و عوامل پیدایش آن تا آثار و نتایج کوتاه مدت و بلندمدت این قیام و نیز نقد و تحلیلی است بر شیوه عزاداری اباعبدالله. ۷- آنجا که حق پیروز است؛ پرویز خرسند، با نثر روان، شیوا، خوش آهنگ و شاعرانه که توانسته دادنامه ماندگار و سرگذشت حزن آلود برخی از شهیدان کربلا را به صورت زیبا به تصویر کشد. بافت همبسته، واژه‌ها و ترکیب‌های نو و لطیف، جملات آهنگین، عنوان‌های نو و مناسب و مفاهیم زنده و جدی از ویژگی‌های این کتاب است که با مقدمه‌ای خواندنی از محمدرضا حکیمی منتشر شده است. ۸- عبرت‌های عاشورا اثر علی اصغر الهامی‌نیا. این کتاب حادثه کربلا را از منظر عبرت‌آموزی بررسی کرده و نشانه‌های عوام و خواص اهل حق و باطل را برشمرده است.

### پاورقی

- [۱] بر ساحل سخن، ص ۱۹، سید ابو القاسم حسینی (ژرفا).
- [۲] گزیده‌ای از فرمایشات مقام رهبری، ص ۴-۲۲، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- [۳] فتوح ابن اعثم، ج ۵، ص ۱۳۲.
- [۴] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۹.
- [۵] مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۴۵.
- [۶] مدرسه حسین، ص ۱۸۹.
- [۷] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۷.
- [۸] مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۳۵.
- [۹] بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۸۳.]

- [۱۰] الاقبال ابن طاووس، به نقل حماسه جاوید، ص ۹۳.
- [۱۱] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۳ - ۱۳۵.
- [۱۲] شرح غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۰۴، جمال الدین خوانساری.
- [۱۳] ر.ک. جامعه سازی قرآنی، ص ۱۲۶، محمدرضا حکیمی.
- [۱۴] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۹.
- [۱۵] جامعه سازی قرآنی، ص ۸۸.
- [۱۶] بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی، ص ۱۳۱، محمدرضا حکیمی.
- [۱۷] مروج الذهب، ج ۳، ص ۵۵.
- [۱۸] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۹.
- [۱۹] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۹.
- [۲۰] مدرسه حسینی، ص ۴۳.
- [۲۱] الاخبار الطوال، ص ۲۳۱ به نقل مدرسه حسینی، ص ۱۱۱، مصطفی دلشاد تهرانی.
- [۲۲] بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۹۴.
- [۲۳] خدا کند تو بیایی، ص ۷۳، سید مهدی شجاعی.
- [۲۴] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵.
- [۲۵] طبقات الکبری، ص ۴۰، ابن سعد.
- [۲۶] صبح صادق، شماره ۷۳، ص ۳.
- [۲۷] تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۵۷.
- [۲۸] تحف العقول، ص ۱۷۴، ابن شعبه حرانی.
- [۲۹] مقتل الحسین خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۴.
- [۳۰] مقتل الحسین، مقرر، ص ۳۰۴.
- [۳۱] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۰.
- [۳۲] مفردات راغب اصفهانی، ص ۵۶۳.
- [۳۳] جوامع الصغیر، ج ۱، ص ۷۵.
- [۳۴] ترجمه المیزان، ج ۳۳، ص ۳۶.
- [۳۵] حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۵۲، مرتضی مطهری.
- [۳۶] المجالس السنیّه، ج ۱، ص ۹۲، سید محسن امین.
- [۳۷] همان، ص ۱۱۱.
- [۳۸] فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۵۶۵.
- [۳۹] گفتار معنوی، ۱۸۵، مرتضی مطهری.
- [۴۰] فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع)، ص ۵۶۱.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

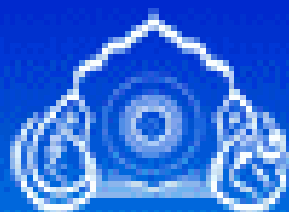
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهنانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهانندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

